



نشریه مستقل دانشجویی زیتون  
شماره ۲

به جرم مذہب

۳

مقاومت، تنها راه نجات

۲

بجرت

۳

نظام انقلابی

۴

# به سوی قدس

بعد از گذشت ۴۰ سال از سخن امام(ره) هنوز این مطلب معمایی حل نشده است. این که همه‌ی دولت‌های اسلامی و مسلمانان می‌دانند که دست‌های اجانب در بین است که متفرق‌شان کند و می‌بینند که با این تفرقه‌ها جز ضعف و زوال چیزی عایدشان نمی‌شود و می‌بینند که دولت پویشی اسرائیل در مقابل مسلمانان ایستاده است. همه‌ی این‌ها را می‌دانند و می‌بینند ولی چرا به علاج قطعی که اتحاد و اتفاق است روی نمی‌آورند؟ که اگر مسلمانان هر کدام یک سطل آب به سوی اسرائیل می‌ریختند او را سیل می‌برد.

## سخن سردبیر

خداوند را شاکرم که شماره اول نشریه زیتون علی رغم کم و کاست هایش مورد استقبال واقع شد و نیز در «جشنواره نبأ» عنوان بهترین نشریه جهان اسلام را کسب کرد.

نشریه پیش رویتان، دومین شماره از نشریه مستقل دانشجویی زیتون است که به مناسبت روز قدس در صفحه دوم به طور ویژه به مسائل فلسطین می‌پردازیم و در سایر صفحات از ایران و عربستان و داعش و بوسنی و... می‌گوییم.

اگر دغدغه جهان اسلام دارید می‌توانید به تیم نشریه زیتون پیوندید و در هر زمینه‌ای که علاقه‌مندید فعالیت کنید. خوشحال می‌شویم نظرات، انتقادات و پیشنهاداتتان را با ما در میان بگذارید.

طوبی بوعلی خرداد ۹۸

## جنگ، جنگی نابرابر بود

طوبی بوعلی

### به بهانه‌ی بحران اخیر ایران

"جنگ جنگی نابرابر بود، جنگ جنگی فوق باور بود"، دشمن از هر سو حمله می‌کرد. از شمال و جنوب، از شرق و غرب، اصلاً نمی‌دانستی براساس چه الگویی دارد شهرهایمان را می‌زند و روستاهایمان را با خاک یکسان می‌کند. بعضی شهرها در محاصره بودند. آب و برق و گازشان قطع شده بود. به بعضی‌هایشان هشدار داده بودند که وضعیت قرمز است و دشمن بیخ گوشتان است. رها کنید خانه‌هایتان را. دشمن خطرناک است و اگر بیاید امان نمی‌دهد. ولی گوش شنوایی نبود. حق هم داشتند. کسی که از دار دنیا همان خانه را دارد دست و دلش به رفتن نمی‌رود. اگر بخواهد برود هم جایی را ندارد که برود. اصلاً رفتن و رفتن برایش یکی است. ماندند و مقاومت کردند که شهرشان سقوط نکند و از هجوم دشمن مصون بماند و اگر هم نماند آبادش کنند. "شهر، شیرمردان را صدا می‌زد" پیر و جوان و بزرگ و کوچک، بی‌زور، بی‌اجبار، بی‌فتوای مرجع، فقط و فقط به شوق یاری مظلوم و کمک به مستمند، از جای جای ایران و حتی نه فقط ایران، هر جا که قلبشان برای ایران می‌تپید فوج فوج به سمت جبهه‌ها شتافتند. رفتند که خانه‌ها و شهرها و روستاها را آباد کنند. تسلا قلب مردم جنگ زده شوند. برای مردم غذای گرم آماده کنند. رفتند که با تمام توان با دشمن بجنگند. رفتند که سنگر بسازند و از شهرها محافظت کنند. بیمارستان و درمانگاه سیار راه بیندازند و دارو به مردم برسانند. زنان هم از پشت جبهه کمک می‌کردند. اوضاع شهرها که مساعدتر شد آنان نیز برای فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و... به جبهه‌ها اعزام شدند.

کمک‌های مردمی اعم از کمک‌های مالی و یا ضروریات زندگی و خوراک و پوشاک از همان روزهای اول جمع

آوری و برای مناطق درگیر جنگ ارسال شد. مراجع اعلام کردند بخشی از وجوهات شرعی را می‌توان برای کمک اهدا کرد. زوج‌هایی که این مصیبت جشن ازدواجشان را به هم زده بود با کمک‌های مردمی به خانه‌ی بخت رفتند. ایران یکپارچه شده بود. همه همدل بودند. به دور از دعواهای جناحی و سیاسی. البته گاهی زمزمه‌هایی شنیده می‌شد ولی نه آن قدر ها.

جهان وطن باشی  
فرقی نمی‌کند آن‌جا که  
مردمانش گرفتار شده  
اند، زادگاهت باشد یا  
نباشد. مظلوم که باشند  
به دادشان می‌رسی.

از سایر کشورها هم پیام همدردی می‌آمد. دقیقاً از همان ابتدای روزهای بحران. دشمن هم اشک تمساح می‌ریخت برایمان. از طرفی پیام همدردی و تسلیت می‌فرستاد و از سوی دیگر تحریم‌هایش مانع کمک‌های بین‌المللی می‌شد. از طرفی می‌گفت غذا و دارو مشمول تحریم‌ها نمی‌شوند و از سوی دیگر کشورها و نهادهای بین‌المللی از چالش‌های پیش رویشان به خاطر تحریم‌ها می‌گفتند. با این وجود خیلی‌ها به دادرمان رسیدند. خیلی از دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی از جمله لاله احمر ترکیه، دولت آلمان، عمان، جمهوری آذربایجان و... برخی به کمک‌های دولت‌هایشان بسنده نکردند و

فراخوان دادند برای جمع‌آوری کمک‌های مردمی. گروه‌های مختلفی از مردم کشمیر با وجودی که در یک سال اخیر تحت شدیدترین فشارهای سیاسی و نظامی ارتش هند بوده‌اند اما این مسائل آن‌ها را از مصیبت ایران غافل نکرد و از همان ابتدا با اعلام همبستگی، اقدام به جمع‌آوری کمک‌های تقدی کردند.

از یاس دختر بچه‌ی ایرانی ویدیویی در فضای مجازی دست به دست شد که اسباب بازی‌هایش را از دست داده بود و این ویدیو به دست کودکان فلسطینی رسید. آنها هم ویدیوی خود را در فضای مجازی منتشر کردند و با یاس همدردی کردند. چرا که آنها نیز در جنگ با اسرائیل عروسک‌هایشان زیر آوارها مانده بود. کمپین اهل‌الوفا را فعالین اجتماعی شش کشور فلسطین، لبنان، سوریه، عراق، یمن و تونس راه انداختند و هدیه‌هایشان را برای کودکان ایران ارسال کردند.

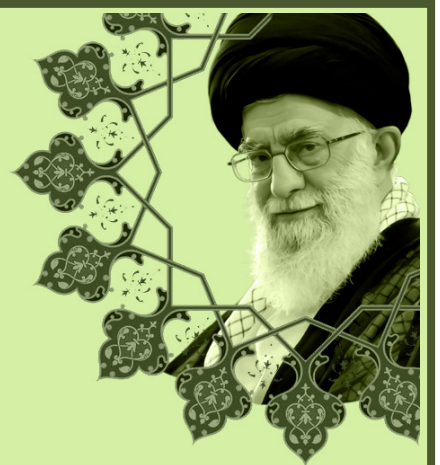
در لبنان، سوریه و عراق کمپینی با این شعار که «ما زیر آتش بودیم کمکمان کردید، شما گرفتار شدید و نوبت ماست که کمک کنیم» راه افتاد و کمک‌هایشان را در اولین روزهای بحران روانه ایران کردند. گروه حشدالشعبی و موکب‌های مردمی و خودجوش عراقی در قالب کاروان‌هایی برای کمک راهی ایران شدند.

"بی گمان امروز

فصلی از تکرار تاریخ است."

بهار ۹۸، سیل، ایران را در بحرانی قرار داد که از هر سویی نگاهش کنی با جنگ مو نمی‌زند.

آری، ایران جنگ شد و همان‌ها که زیر آتش به دادشان رسیدیم به دادرمان رسیدند. جهان وطن باشی فرقی نمی‌کند آن‌جا که مردمانش گرفتار شده اند، زادگاهت باشد یا نباشد. مظلوم که باشند به دادشان می‌رسی.



### بخشی از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان (رمضان ۱۳۹۸)

نمونه‌هایی را من اینجا یادداشت کرده‌ام، نمونه‌هایی از کارهایی که می‌تواند نسل جوان را در نقش و شأن محور بودن حرکت عمومی جامعه کمک کند و ظرفیت لازم را به آنها بدهد...

یک راهکار تشکیل گروه‌های نهضتی در ارتباط با مسائل بین‌الملل و مسائل جهان است. همین طور که اشاره کردم بعضی از مجموعه‌ها این کارها را کرده‌اند. فرض کنید دعوت کردند از دانشجویان فعال کشورهای مقاومت که در تهران یا در بعضی شهرستان‌های دیگر آمدند، جمع شدند، جلسات خوبی هم بوده، به ما هم خبرش رسید و از این قبیل کارها می‌شود کرد؛ یعنی فعال شدن در زمینه‌ی مسائل جهان اسلام. گروه‌هایی تشکیل بشوند و این کارها را دنبال بکنند: مسائل غزه، مسائل فلسطین، مسئله‌ی یمن، مسئله‌ی بحرین، مسائل مربوط به مسلمانان میانمار، مسائل مربوط به مسلمانان اروپا - یکی از مسائل قابل بحث ما در محیط‌های فعال دانشجویی مسلمانان اروپا اینست که خب داستانی است - مسئله‌ی حوادثی که در بعضی از کشورها پیش آمده؛ مثلاً حوادث پاریس قابل بررسی است، قابل مطالعه است، قابل فعال شدن است، یعنی در رابطه‌ی با این حوادث و حوادث منطقه یک مجموعه‌ی دانشجویی می‌تواند فعال بشود.



## هرج و مرج در اسرائیل خبرگزاری تابناک

بامداد پنج‌شنبه (به وقت تهران) نمایندگان پارلمان اسرائیل در واکنش به ناتوانی «بنیامین نتانیاهو» در تشکیل کابینه ائتلافی، به انحلال پارلمان و برگزاری مجدد انتخابات رأی دادند.

به گزارش تابناک، بر اساس تصمیم پارلمان اسرائیل، انتخابات جدید قرار است روز ۱۷ سپتامبر (۲۶ شهریور) برگزار شود.

در تاریخ اسرائیل این اولین بار است که حزب پیروز نتوانسته کابینه تشکیل دهد. در پی این رخداد، «بنی گانتز» رهبر نمایندگان احزاب معارض در جلسه پارلمان، نتانیاهو را «شکست‌خورده» توصیف کرد.

تصمیم به برگزاری انتخابات مجدد در حالی اتخاذ شده که صهیونیست‌ها کمتر از دو ماه قبل انتخابات پیش از موعد برگزار کردند و نتانیاهو به عنوان رهبر حزب پیروز، مأمور تشکیل کابینه شد. مهلت قانونی تشکیل کابینه چهارشنبه شب به پایان رسید و اختلافات شدید میان احزاب راستگرا مانع از آن شد که نتانیاهو کابینه ائتلافی تازه‌ای تشکیل دهد.

تصمیم به برگزاری دوباره انتخابات در فلسطین اشغالی در حالی اتخاذ می‌شود که دولت آمریکا به امید ادامه حضور نتانیاهو در قدرت و استقرار کابینه جدید، قرار بود بعد از ماه مبارک رمضان از طرح سازش موسوم به «معامله قرن» رونمایی کند.

حالا اما رژیم اسرائیل دستکم تا سه ماه دیگر کابینه جدیدی نخواهد داشت و این امر ممکن است رونمایی از این طرح را بار دیگر به تعویق بیندازد. آمریکا همچنین قرار است به زودی نشستی اقتصادی با موضوع فلسطین در بحرین برگزار کند که از آن به عنوان مقدمه معامله قرن یاد شده است. تحولات این روزهای فلسطین اشغالی می‌تواند این نشست را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

نتانیاهو از زمانی که مأمور تشکیل کابینه شد ۲۸ روز فرصت داشت تا کابینه خود را معرفی کند اما بدلیل عدم موفقیت در این زمینه ۲ هفته دیگر این مهلت تمدید شد که امروز به پایان رسید.

ائتلاف راست اسرائیل به رهبری نتانیاهو موفق شد در انتخابات اخیر ۶۵ کرسی پارلمان این رژیم را تصاحب کند اما نتانیاهو بدون کسب رضایت حزب اسرائیل بیتنا که پنج کرسی در اختیار دارد قادر نبود دولت تشکیل دهد.

لیبرمن که پیش از این وزیر جنگ رژیم اسرائیل بود دارای اختلافات عمیقی با نتانیاهو به ویژه در زمینه مساله غزه و مسائل مرتبط با ارتش است.

کنست اسرائیل نیز دوشنبه شب در نخستین گام برای برگزاری انتخابات زودهنگام به انحلال خود رای داد. در رای گیری انجام شده ۶۵ نفر به انحلال کنست رای مثبت داده و ۴۳ نفر با آن مخالفت کردند.

پیش از این به دلیل احتمال پایین تشکیل کابینه در فرصت باقیمانده، زمان برگزاری انتخابات زودتر از موعد این رژیم مشخص شده بود.

همزمان از اسرائیل گزارش شده که همسر بنیامین نتانیاهو در توافقی با دادستانی این کشور اتهام‌های خود مبنی بر سوءاستفاده از منابع دولتی را پذیرفته است.

نتانیاهو منکر هر کار خلافی شده و می‌گوید که قربانی «پاپوش‌دوزی سیاسی» است. اصطلاحی که دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، برای تحقیقات درباره کارزار انتخاباتی خود به کار می‌برد.

## نگاهی کوتاه به پیروزی های غزه

دوم شهریور سال ۱۳۶۰ بود و امام، انگار نه انگار که قرار است کمتر از يك هفته دیگر انفجار مهیب دفتر نخست وزیری، رجایی و باهنر را از این ملت بگیرد، همچنانکه بر صندلی ساده حسینیه جماران تکیه زده بود؛ با همان لحن پر صلابتی که از او سراغ داریم؛ فرمود: دما از اولی که در این امور و در این نهفت وارد شدیم، یکی از مسائل مهم ما این بود که اسرائیل باید از بین برود.

بمید می‌دانم با وجود آنکه آن روزها هم درگیر جنگ با صدام بودیم و هم آتش جنگ داخلی شعلهور شده بود و علاوه بر این‌ها انقلاب اسلامی ما هنوز سال‌های ابتدایی حیاتش را سپری می‌کرد کسی به امام خرده گرفته باشد که از کدام فلسطین و اسرائیل سخن می‌گوید و آخر

چه دیده است در این پا برهنگان که سلاحشان قلاب سنگ است و با همان به جنگ صهیونیسم خبیث و تا بن دندان مسلح رفته اند؟ کسی شکی در وعده‌ی امام نداشت خصوصاً آن‌ها که تحقق سخنان از این محال‌تر را هم در آئینه انقلاب دیده بودند ولی سوالی که ذهن همه را مشغول کرده بود این بود که چگونه؟ بدست فلسطینی ها؟ ابد! آن روزها اگر کسی خوشبینانه می‌خواست نگاه کند همین که فلسطینی‌ها بتوانند

در برابر حملات تجاوزکارانه اسرائیلی‌ها تاب بیاورند و همین کشور کوچک فلسطینی را روی نقشه حفظ کنند کار شاقی کرده‌اند. از اعراب هم که آبی گرم نمیشد، خصوصاً بعد از شکست متفحصانه‌شان در سال ۱۹۶۷ میلادی

که منجر به تصرف بخشی از خاک آن کشورها توسط اسرائیل نیز شده بود. کم کم با افزایش برد موشک‌ها و توان نظامی ایران این فرضیه تقویت شد که نابودی اسرائیل به دست ایران رقم خواهد خورد ولی تصور تبعات احتمالی این اقدام، شرایط را بسیار پیچیده می‌کرد. سال‌ها گذشت و گروه‌های مقاومت که بعد از شکست پیمان‌های صلح و خیانت‌های سران عرب، راهی جز مقاومت در پیش روی خویش نمی‌دیدند با تکیه بر توان نظامی خود بخصوص در زمینه موشکی-پهپادی و تقویت روزافزون آن توانستند تبدیل به کابوس دائمی شب‌های ساکنان شهرک‌های اشغالی بشوند. چهارم ماه می امسال بود که رژیم صهیونیستی با حمله به غزه، دست به جنایات هولناکی زد که در نتیجه آن بسیاری از جمله ماریا احمد رمضان ۴ ماهه، صبا ابوعرار دختر بچه ۱۴ ماهه فلسطینی و مادر باردارش به شهادت رسیدند. برای درك عمق فاجعه بمباران غزه، خوب است بدانید که ۷۳ درصد از دو میلیون جمعیت غزه را مهاجرینی تشکیل می‌دهند که در سال‌های ۱۹۴۷ تا ۴۹ میلادی از ۲۴۷ دهکده اشغالی پاکسازی نوادی شده و توسط اسرائیلی ها به ۸ اردوگاه در نوار غزه کوچانده شده اند؛

اردوگاه‌هایی که با يك میلیون و چهار صد هزار نفر جمعیت، پرتراکم‌ترین نقاط انسانی در جهان هستند و معلوم نیست با وجود این تراکم جمعیتی در هر شلیك، چند کودک بیگناه فلسطینی می‌توانند کشته شوند. اما این

### حالا که نزدیک به چهار دهه

از سخنان حضرت امام درباره

لزوم محو اسرائیل می‌گذرد پاسخ

به این سوال که چگونه اسرائیل

از صفحه روزگار محو خواهد شد

آنچنان سخت نخواهد بود.

## به سوی قدس

### به بهانه‌ی «روز قدس»

چندی پیش توییتی دیدم از یکی از جوانان فلسطینی که هر چند عربی بود ولی متوجه شدم علیه ایران است. خیلی عجیب و شوکه کننده است اینکه ما ۴۰ سال است نه فقط در روز قدس

بلکه در هر زمان و مکان، گلو می‌دریم از مرگ بر اسرائیل هایمان و آن وقت يك جوان فلسطینی می‌گوید ایران اعراب را دشمن خود پنداشته و اسرائیل را فراموش کرده و فلسطین تنهاست. نمیخواهم توجیه کنم ولی در ایران هم کم نیستند افرادی که یا اصلاً فلسطین را مسئله‌ی مهمی نمی‌دانند یا شعار نه غزه نه

لبنان سر می‌دهند و تا می‌گویی فلسطین فوراً موضع می‌گیرند که وضع ایران بهتر از فلسطین نیست و چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است. هم این‌ها و هم آن‌ها را ناشی از تبلیغات سوء دشمن می‌دانم که تخم تفرقه را در جنوب غرب آسیا کاشته و خوب هم دارد درو می‌کند. عرب و عجم و شیعه و سنی را به جان هم می‌اندازد. در مناطق شیعه نشین انتحاری می‌زنند و می‌گویند کار سنی هاست و سنی را می‌کشند و می‌گویند شیعیان رافضی به جان سنی‌ها افتاده‌اند. و این‌گونه از آب گل آلود تفرقه خوب ماهی صید می‌کنند. عجیب نیست جوان سنی فلسطینی ایران را دوست خود نداند که ایران حکومت شیعی است و کم علیه شیعیان برایش دروغ‌پردازی نکرده اند. و عجیب نیست جوان ایرانی بگوید نه غزه نه لبنان که حرف‌های رسانه‌های قبله‌ی آمالش را دارد تکرار می‌کند.

بعد از گذشت ۴۰ سال از سخن امام(ره) هنوز

این مطلب معمای حل نشده است. این که همه‌ی دولت‌های اسلامی و مسلمانان می‌دانند که دست‌های اجانب در بین است که متفرق‌شان کند و می‌بینند که با این تفرقه‌ها جز ضعف و زوال چیزی عایدشان نمی‌شود و می‌بینند که دولت پوشالی اسرائیل در مقابل مسلمانان ایستاده است.

همه‌ی این‌ها را می‌دانند و می‌بینند ولی چرا به علاج قطعی که اتحاد و اتفاق است روی نمی‌آورند؟ که اگر مسلمانان هرکدام يك سطل آب به سوی اسرائیل می‌ریختند او را سیل می‌برد. ۱۶ مرداد ماه ۱۳۵۸ وقتی هنوز يك سال هم از انقلاب اسلامی ایران نگذشته بود، امام خمینی(ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران،

آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را روز قدس اعلام کردند و فرمودند روز قدس يك روز جهانی است.

روزی نیست که فقط اختصاص به قدس داشته باشد. روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است. امام(ره) با انتخاب روز قدس، قدم بزرگی برای اتحاد مسلمانان برداشتند و ۴۰ سال است که مسلمانان عالم هر سال، در گرما و سرما و با زبان روزه، در آخرین جمعه‌ی ماه مبارک رمضان در خیابان‌ها از درد

مردم فلسطین می‌گویند. و این راهپیمایی نه فقط در ممالک اسلامی و توسط مسلمانان بلکه در بیش از ۸۰ کشور اسلامی و غیر اسلامی جهان با وجود

اعمال فشار از سوی برخی دولت‌ها برگزار می‌شود و مسلمان و مسیحی و حتی یهودی مخالف اسرائیل هم برای راهایی ملت مظلوم فلسطین فریاد سر می‌دهند و موجب می‌شوند این آرمان بزرگ که مسئله‌ی اصلی جهان اسلام است، علی‌رغم تلاش‌های جبهه‌ی استکبار، به دست فراموشی سپرده نشود. امام(ره) با انتخاب این روز به عنوان روز قدس مشتی محکم بر دهان مستکبرین زد تا خیال حذف کردن فلسطین از نقشه‌ی جغرافیایی را با خود به گور ببرند.

شاید این راهپیمایی ناچیز به نظر بیاید و شاید این راهپیمایی ملت فلسطین نجات پیدا نکنند و هر چه هم به خیابان‌ها برویم و مرگ بر اسرائیل بگوییم اسرائیل نابود نشود. ولی حداقل وظیفه‌مان همین راهپیمایی است. برافراشته نگه داشتن پرچم فلسطین توسط ماء دلگرمی‌ای است برای آن‌ها که در محاصره و زندان اند. وقتی ببینند تنها نیستند، می‌ایستند و ترسی به دل راه نمی‌دهند. راهپیمایی روز قدس رسانه‌ای بزرگ برای مقابله با تبلیغات سوء دشمن است و این گونه می‌توانیم عقیده راستین‌مان را به گوش جهانیان برسانیم. البته هر چه به خیابان‌ها بریزیم و فریاد برزیم رسانه های آنها منعکس نمی‌کنند ولی خودِ کثیف‌شان می‌بینند و داغی می‌شویم بر قلب هایشان که هر روز کابوس نابودی در کمتر از ۲۱ سال دیگر، ضریانشان را به شماره انداخته است.

امسال نیز مثل هر سال دعوت امام ره را لبیک خواهیم گفت و متحد و متفق با همه‌ی مستضعفان عالم در این راهپیمایی شکوهمند جهانی شرکت خواهیم کرد تا گوشه‌ای از مظلومیت فلسطینیان را فریاد زنیم.



## به جرم مذهب

پریاشکار سری سلیمی



## هجرت

سید محمد علی قربانی

## یادداشتی در مورد سفر شیخ عیسی قاسم به ایران

اگر قرار باشد برای هر تحولی، کاتالیزگری را نام ببریم، کاتالیزگر عظیم‌ترین تحولات، یعنی انقلاب، «هجرت» خواهد بود. هجرت آن قطه‌ای از انقلاب است که سرعت دگرگونی را چند برابر می‌کند و ترک خوردن پایه‌های استکبار را سرعت می‌بخشد. اما هجرت به همین سادگی‌ها هم نیست. تصمیم هجرت، تصمیم میان رفتن و دوری از خانواده، قوم، ملت و وطن، و ماندن زیر سلطه استکبار و شکنجه و تهدید ترعیب روزانه است. هر يك انتخاب شوند، حیات و آینده انقلاب را تغییر خواهد داد.

هجرت را می‌شود در بزرگترین انقلابی که زمین به خود دیده، یعنی ظهور اسلام، تا آخرین انقلابی که تا کنون پایدار مانده‌است و ادامه دارد، یعنی انقلاب اسلامی، دید. از پیامبر اسلام تا امام انقلاب ایران، در زمانی که فضا را بر آنان تنگ کرده بودند، تهدیدشان می‌کردند و نقشه قتلشان را می‌کشیدند، هجرت را بر ماندن زیر سلطه مستکبران ترجیح دادند و این سنت الهی است. زمانی که فرشتگان مرگ، کسانی را که زیر سلطه استکبار مانده‌اند و حاضر به هجرت نشده‌اند را قبض روح می‌کنند به آنان می‌گویند مگر زمین خدا پهناور نبود تا در آن مهاجرت کنید؟! و آنان را به دوزخ وعده می‌دهند. و این سنت همواره در طول تاریخ در حال تکرار است. همین حالا که این یادداشت را می‌خوانید رهبر یکی از انقلاب‌های اسلامی نوپا در منطقه مجبور به هجرت شده است. شیخ عیسی قاسم، رهبر معنوی انقلابیون بحرین، پس از فشارهای دولت بحرین به ایشان و اطرافیان‌شان و پس از حکم سلب تابعیت ایشان در سال ۱۳۹۵ و ممانعت دولت بحرین از درمان بیماری ایشان، در ۱۸ تیر سال گذشته برای درمان بیماری ایشان به لندن سفر کردند که این سفر به نوعی آغاز هجرت ایشان به حساب می‌آید. شیخ عیسی قاسم بعد از عمل جراحی در لندن و درمان اولیه به عراق سفر کردند و پس از پنجاه سال به شهر نجف بازگشتند و در این سفر با سران این کشور دیدار و ملاقات داشته‌اند. ایشان پس از این سفر به مشهد مقدس برای ادامه‌ی درمان به تهران سفر کردند و اکنون مدتی است که در شهر قم ساکن شده‌اند و هجرتشان را در ایران ادامه می‌دهند.

مردم، فعالان جهان اسلامی، رسانه‌ها و حکومت ایران وظیفه دارند شیخ عیسی قاسم را در راه انقلابشان همراهی کنند. در این بین، رسانه‌ها برای رساندن پیام شیخ عیسی قاسم به مردم بحرین و نمایش پررنگ انقلاب بحرین به جهان نقش مهم و قابل توجهی دارند.

مردم و حکومت ایران نیز با یاری رساندن به شیخ عیسی قاسم در راه انقلاب بزرگشان همراهی کنند تا شرایط را برای بازگشت ایشان به بحرین مهیا سازند و با کمک مردم بحرین استکبار را از این کشور بیرون برانند. و این وعده‌ی خداوند است که د کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند و آنان که مهاجران را پناه دادند و یاری کردند، مؤمنان حقیقی فقط آنانند، برای آنان آمرزش، رزق نیکو و فراوانی است.»

سني‌نشين به منظور تأثيرگذاري روي اعتقادات آن‌ها، کنترل ايشان و سرکوب فعاليت‌ها و اعتراضات عليه بي‌عدالتی و توزيع ناعادلانه ثروت، اعدام دسته‌جمعی شيعيان در زندان‌ها به بهانه مبارزه با تروریسم از جمله اقدامات خصمانه رژيم آل‌سعود عليه شيعيان بوده است. اين در حالی است که نهادهای بين‌المللی حقوق بشری از جمله سازمان ملل متحد به دليل تبعیت از کشورهای مستکبر غربی به چنين جناياتی واکنش نشان نداده و با سکوت خود مهر تايیدی بر اين اقدامات غير انسانی زده است.

با توجه به مطالبی که بيان شد، می‌توان چنين نتیجه‌گیری کرد که سرکوب و کشتار شيعيان توسط آل‌سعود هر روز جنبه‌های بیشتری به خود می‌گیرد و ابعاد گسترده‌ای دارد. اهداف متفاوتی برای اين رفتار مطرح شده اما قدرت نمایی بن‌سلمان وليعهد جوان سعودی برای تقويت جایگاه خود و تخریب نماد مقاومت شيعيه، روز به روز بر شدت اين حملات خواهد افزود و او ديگر نمی‌تواند اين اقلیت شيعی معترض را تحمل کند و آن‌ها را به عنوان يك تهديد برمی‌شمارد لذا در واکنش به اين تهديدات به سرکوب، قتل و کوچ اجباری ساکنان مناطق

شيعه‌نشين روي آورده است.

شيعه‌نشين روي آورده است.

غير قابل انکار است. همچنين می‌توان جلو‌گیری از نفوذ قدرت شيعی نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان مرکز تشيع در میان شيعيان يمن، بحرین، عراق و عربستان را من جمله اهداف اين کشتار دانست.

انگيزه‌های مذهبی که در سال‌های اخير از سوی مفتيان وهابی آشکارا بيان گردیده است با هدف حاکميت ايدئولوژی وهابيت در عربستان و ملحد دانستن شيعيان در تقويت اندیشه شيعه کشی و قبح‌زدایی اين عمل نقش موثری داشته است، تا آن‌جا که مبارزه با شيعه و تفکر شيعه را علی‌رغم تاکيد قرآن کریم

در اولويت بالاتری نسبت به مبارزه با يهود و مسيحيت می‌داند. ناگفته نماند صهيونيست تنها راه سيطره خود بر نیل تا فرات را سرگرم بودن مسلمانان به يکديگر يافته است و دامن زدن به اختلافات شيعه و سني را تا حد زيادی به نفع خود می‌داند.

کشتار گسترده و کودک‌کشی در يمن، تخریب منازل، مساجد و حسنيه‌ها در مناطق شيعه‌نشين عربستان به بهانه پروژه نوسازی با هدف پراکنده نمودن شيعيان در مناطق

## به بهانه اعدام ۳۷ نفر توسط عربستان

شيعه کشی پديده‌ی جدیدی نیست که جامعه تشيع، امروز با آن رو به رو شده باشد؛ بلکه قرن‌ها پيش از اين در دوره‌های متفاوت تاريخی مانند دوران حکومت امويان يا عباسيان ديده شده است. نام‌های بسياری در تاريخ اسلام وجود داشته است که کشتار شيعيان را از افتخارات خود دانسته‌اند.

با توجه به پيشينه طولانی مدت استقرار مرکز اهل سنت در عربستان و پيدایش حکومت آل سعود در اين شبه جزيره در ۱۷۹۰ ميلادی، تحديد فعاليت شيعيان در خاورميانه و علی

الخصوص کشور عربستان، از اولويت‌های اين حکومت بود. چراکه حکومت مزبور با محوريت اندیشه وهابيت و تضعيف بنيان تشيع فعاليت خود را آغاز کرد. اين حرکت با ابتناء بر انگيزه‌های سياسی و مذهبی شکل گرفته است.

انگيزه‌های سياسی ملی درخصوص سرکوب شيعيان عربستان، به منظور جلو‌گیری از افزايش قدرت شيعيان و کنترل ايشان در شرق شبه جزيره عربستان به دليل تمرکز جمعيتی شيعيان در اين نواحی و انگيزه سياسی بين‌المللی از سوی کشورهای غربی علی‌الخصوص آمريکا، به عنوان دست‌اندرکاران اصلی اين پروژه با هدف ايجاد تفرقه بين اهل تشيع و تسنن و تضعيف وحدت جهان اسلام در طول ساليان متمادی

## ساده‌ی پيچیده، داعش!

حسین براتی

بخش‌هایی از غرب عراق و صحرای سینا است نه فقط سوریه. این نام، نشان می‌دهد داعش آرمان بازگشت به دوران اقتدار خلافت اموی را در سر می‌پروراند.

داعش پس از ورود به خاک سوریه در کمتر از ۶ ماه ۸۶ درصد از خاک این کشور را اشغال نمود و دولت سوریه را تا مرز سقوط کشانده که به همت سردار شهید حاج حسین همدانی، این اتفاق رخ نداد و سوریه نجات پیدا کرد. داعش پس از ورود به عراق، با سرعت کمتر از سوریه، اما شیب مثبت پیروزی به سمت بغداد روانه شد و به ۲۰ کیلومتری بغداد هم رسید که با فتوای جهاد کفای آیت الله سیستانی در همان نقطه متوقف شد و توسط حشد الشعبی (نیروهای بسیج مردمی عراق)

به عقب رانده شد. داعش که در عرض چند سال به قدرت اول گروه‌های تکفیری تبدیل شده بود، با جان فشانی و مبارزه مجاهدان فی سبیل الله دوباره به همان خفنی و کوچکی قبل بازگشت. اما نکته مهمی که نباید فراموش کرد این است که داعش صرفاً يك گروه نیست، يك عقیده است. عقیده‌ها ضد گلوله هستند. تنها سلاحی که می‌تواند يك عقیده را نابود سازد آگاهی بخشی و گسترش اسلام صحیح است. داعش که هم‌اکنون تبدیل به يك گروه‌ک فراری شده، همچنان به راه خود ادامه می‌دهد. در همین اواخر در هند و آفریقا اعلام خلافت کرده و از جوانان برای پیوستن به این گروه دعوت می‌نماید. داعش شاید امروز قدرت نداشته باشد، اما تفکرش قدرت خود را داراست و هر لحظه ممکن است مانند غده‌ای سرطانی از جای دیگر سردرآورد و این بار در لباس شخصی دیگر با نامی دیگر به جز ابوبکر البندادی. تکفیر و سلف، غده‌های سرطانی اسلام هستند و صد البته، ریشه‌کن شدن آنان نزدیک است.

اسلامی عراق، به رهبری ابوعمر البندادی قرار گرفتند. این سازمان، استان الانبار را به عنوان پایتخت خود معرفی کرد. در اینجا بگذارید کمی به عقب‌تر برگردیم تا با شخصیت اولیه انسانی که همه دنیا آن را می‌شناسند بیشتر آشنا شویم: ابوبکر البندادی در سال ۱۹۷۱ در سامرا به دنیا آمد. او دکترای خود را از دانشگاه اسلامی بغداد کسب کرد. او مدتی امام جماعت مسجد سامرا بود و سپس امام جماعت مسجد جامع بغداد و در نهایت ساکن فلوچه شد. پس از اشغال آمریکایی‌ها در کنار ارتش صدام با آنها جنگید به مدت ۳ سال اسیر شد. پس آزادی، گروه‌ک «ارتش اهل سنت» را ایجاد کرد. او سرانجام به القاعده پیوست. در آوریل ۲۰۱۰، ابوعمر البندادی در نبرد با نیروهای

نظامی عراقی کشته شد تا دوباره خلا قدرت به وجود بیاید. ابوبکر البندادی که سخنور خوبی بود و در میدان نبرد هم کارآزموده شده بود توانست اغلب تکفیری‌های مخالف آمریکا را با خود همراه نماید و به رهبری دولت اسلامی عراق برسد.

با خروج آمریکایی‌ها، هجوم ارتش و عشایر این گروه ضعیف شد تا اینکه با شروع قائله سوریه جان تازه‌ای گرفت. البندادی با گسترش فعالیت به سوریه، نام گروه را به «سازمان اسلامی عراق و شام» یا همان «داعش» تغییر داد. به کار بردن نام شام به جای سوریه، خود نمایانگر یکی از تفکرات این گروه است. در حقیقت «شام» به گستردگی سوریه، اردن، لبنان، فلسطین،

چند روز پیش پس از ۵ سال ابهام، ویدیویی جدید از ابوبکر البندادی منتشر شده، سالم و زنده! کمتر کسی است که روایات جنایات داعش را نشنیده باشد. جنایاتی مثل جدا نمودن سر نوزاد در مقابل چشمان مادرش. اما چه شد که ناگهان نام گروهی گمنام تبدیل شد به یکی از ترسناک‌ترین نام‌های جهان، خصوصا برای اروپایی‌ها؟

بگذارید برگردیم به اول ماجرا. این متن روایت مسائلی از داعش است که احتمالا تا به الآن نشنیده‌اید!

طالبان، قدرت اول گروه‌های تکفیری\_سلفی سال ۲۰۰۱ سقوط کرد و حیات این گروه‌ها رو به افول گذاشت. همزمان، شبکه فرماندهی «القاعده» در ۶۰ کشور جهان حفظ شد و این یعنی؛ آغاز عصر القاعده.

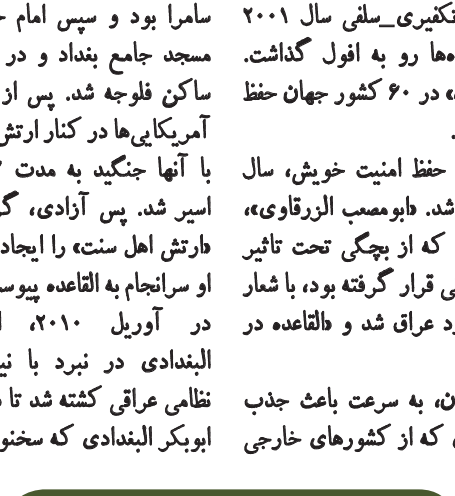
ایالات متحده آمریکا، به بهانه حفظ امنیت خویش، سال ۲۰۰۳ وارد نبرد نظامی با عراق شد. «ابومصعب الزرقاوی»، متولد اردن و از رهبران القاعده که از بچگی تحت تاثیر تعلیم عالم بزرگ سلفی یعنی ابالبانی قرار گرفته بود، با شمار مبارزه با صلیبی‌های اشغالگر وارد عراق شد و «القاعده در سرزمین رافدین» شکل گرفت.

جذابیت شمار مبارزه با اشغالگران، به سرعت باعث جذب جوانان به این گروه شد تا حدی که از کشورهای خارجی

نیز، بسیاری به منظور همراهی با الزرقاوی راهی عراق شدند. این اتفاق باعث شد الزرقاوی در عراق، قدرتی ویژه به دست بیاورد. القاعده با توجه به تفکر سلفی\_تکفیری خود، علاوه بر مبارزه با اشغالگران شروع به کشتن شیعیان نیز کرد.

در ژانویه ۲۰۰۶ القاعده در سرزمین رافدین با گروه کوچکتری ادغام شد تا «شورای مجاهدین» به ریاست «ابوعمر البندادی» تشکیل شود.

همان سال، زرقاوی کشته شد. با به وجود آمدن خلا قدرت، گروه‌های وابسته به القاعده عراق، زیر چتر سازمان «دولت



## نظام انقلابی

## آخرین خبر

رهبر معظم انقلاب: برخی دنباله های آمریکا برای جا انداختن معامله قرن در حال تلاشند اما آمریکا و دنباله هایش در این قضیه هم شکست خواهند خورد.

رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین: موضوع ما گام به گام پیش می رود و به خواست خدا به کشور فلسطینی مستقل خواهیم رسید که پایتخت آن قدس شریف خواهد بود. و معامله قرن یا معامله ننگ به خواست خدا به جهنم خواهد رفت.

دبیر کل حزب الله در سخنانی به مناسبت سالگرد آزادسازی جنوب لبنان: لبنانی ها همه مخالف وطن جایگزینی برای فلسطینیان هستند. کنفرانس بحرین احتمالا زمینه را برای اسکان فلسطینیان در لبنان و دیگر کشور ها مهیا کند.

حماس: پیام ملت ما در راهپیمایی بازگشت آن است که همه فلسطینیان تا پایان دادن کامل اشغالگری و توطئه های حذف فلسطین و محاصره ظالمانه غزه در سنگری واحد قرار دارند.

تشکیل نظام سیاسی و حکومتداری در عین زنده نگه داشتن روحیات انقلابی برای رسیدن به اهداف انقلاب و به طور کلی ایجاد يك «نظام انقلابی» چالش بزرگ انقلاب ها پس از پایان مراحل اولیه انقلاب بوده است. انقلاب اسلامی ایران با تشکیل دولت و وضع قانون اساسی جدید بر پایه تعالیم دینی با رهبریت يك مرجع دینی مانند امام خمینی (ره) تحت نظریه ولایت فقیه، نشان داد که برای رفع این چالش، طرح فکری و اندیشه ای دارد. امامی که خود از انقلابی ترین عناصر انقلاب ۵۷ از سال ۴۲ و حتی قبل از آن بود، بعد از به ثمر نشستن انقلاب، صاحب نظریه حفظ نظام از اوجب واجبات است، می شود. رفع این تناقض ظاهری نیازمند توجه به مسائل متعددی مانند نوع نگاه امام (ره) به مفهوم حکومت داری

ایجاد يك «نظام انقلابی»  
چالش بزرگ انقلاب ها پس  
از پایان مراحل اولیه انقلاب  
بوده است.

و در درجه بعدی اهداف انقلابی که امام (ره) برای انقلاب متصور بود، است؛ اهدافی که ابتدا توسط امام (ره) در جملاتی مانند «ما می گوئیم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم "لا اله الا الله" را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز در آوریم...» و بعدها توسط رهبر بعدی انقلاب، آیت الله خامنه ای (حفظه الله) تحت عنوان مفاهیمی چون «ایجاد تمدن انقلابی و اسلامی در جهان

نظام» و «انقلاب» به ظاهر دو مفهوم متناقض هستند؛ نظام، بیانگر نظم، ثبات و حفظ وضع موجود و پیشبرد اهداف در چهارچوب های خشک و تعیین شده، ولی انقلاب گویای تغییر وضع موجود و خروج از چهارچوب هاست. اصطلاح «نظام انقلابی» که در بیانه گام دوم توسط رهبر انقلاب مطرح شد، همانند ترکیبات دیگری مثل «مردم سالاری دینی»، «جمهوری اسلامی» و... واژگانی خلق شده، بعد از انقلاب اسلامی ایران است که رفع تناقض ظاهری و فهم آنها جز با دقت در مفاهیم و اهداف و آرمانهای انقلاب میسر نیست. انقلاب ها در يك نکته با هم مشترک اند و آن وجود يك نارضایتی از وضع موجود و شروع يك حرکت برای تغییر و رسیدن به اهداف و آرمان هایی برای بهبود این وضع است. هیچ انقلابی حتی انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ و انقلاب های سال های ۱۳۸۹ در منطقه جهان اسلام موسوم به «بیداری اسلامی» نیز از این اشتراک، مستثنی نبودند. اما تفاوت اصلی مابین این انقلاب ها را در دو بخش می توان بررسی کرد؛ بخش اول نوع نارضایتی اولیه برای شروع انقلاب و آرمان های غایی انقلابها است. مثلا مردم لیبی قبل از معمر قذافی که از سطح رفاه خوبی برخوردار بودند یا مردم مصر قبل از حسنی مبارک که آزادی بیان بالایی داشتند، حتی اخوان المسلمین که بعد از تحولات، حکومت مصر را در دست گرفت، در دوران مبارک چندین روزنامه در اختیار داشت و در سال ۸۵ حدود ۸۴ نماینده به مجلس فرستاد یا مردم تونس که ۹۸ درصد آنان تا قبل از عزل زين العابدين بنعلی مسلمان بوده و اقلیت مذهبی برایشان چندان معنایی نداشت، چرا دست به انقلاب و ابراز نارضایتی زدند و هدف و آرمان نهایی آنها برای ایجاد تحول که ناشی از نارضایتی بود، چه بود؟ اما بخش دوم تفاوت این انقلاب ها در چگونگی مدیریت حس انقلابی مردم و مسئولین بعد از به ثمر نشستن انقلاب و عزل و حذف عامل نارضایتی و به قدرت رسیدن انقلابیون است.

## راهیان نور بوسنی

### مرور کوتاهی بر مارش میرا

چند سالی می شود که اکتیویست های ایرانی در دو راهیان نور شرکت می کنند؛ اولی راهیان نور ایران و دومی راهیان نور بوسنی.

شاید خیلی از ما تا به حال به راهیان نور ایران و مناطق عملیاتی دفاع مقدس رفته باشیم، اما شاید تا کنون اسم مارش میرا، یا همان راهیان نور بوسنی، به گوشمان نخورده باشد.

مارش میرا شباهت زیادی به راهیان نور خودمان دارد. بوسنیایی ها هشت سال پس از شروع اعزام کاروان های راهیان نور به مناطق عملیاتی ایران و ده سال پس از فاجعه ی سربرنیتسا در بوسنی، در سال ۲۰۰۵، تصمیم گرفتند راهپیمایی بزرگی را راه بیندازند تا یاد شهدایشان را فراموش نکنند، که این راهپیمایی در واقع اولین دوره ی مارش میرا را تشکیل داد.

سربرنیتسا نام شهری است در بوسنی که طبق قطعنامه های جهانی روزگاری به نام منطقه امن شناخته می شد و تحت نظر گروه های صلح هلندی محافظت و اداره می شد. در جریان جنگ بوسنی و صرب در جولای سال ۱۹۹۵، مردم بوسنی برای فرار از دست صرب ها، خود را به این منطقه رساندند که از حمله ها صرب ها در امان بمانند. اما نیروهای صلح هلندی طبق مذاکرامی که با صرب ها داشتند، مسلمانان بوسنی را تحویل آنان دادند. صرب ها پس از جداسازی زنان و پسران زیر دوازده سال از مردان و پسران مسلمان بوسنیایی، آنان را به کارخانه های باتری سازی اطراف آنجا برده و بیش از هشت هزار مرد و پسر بوسنیایی را به شهادت رساندند و آن ها را در گورهای دسته جمعی دفن کردند.

اهالی بوسنی به همراه مسلمانان سایر کشورهای اسلامی هر ساله از ۸ تا ۱۰ جولای مسافتی بالغ بر ۱۱۰ کیلومتر را طی می کنند تا خود را به شهر سربرنیتسا برسانند و این مسیر طولانی را با پای پیاده می روند



یکی از سوله های اطراف سربرنیتسا به محل نگهداری بقایای تازه تفحص شده ی شهدای بوسنی بدل شده است. سوله ای شبیه معراج الشهدای خودمان، که در آن چندین تابوت به همراه برگه های حاوی مشخصات در بالای سر آن، به طور منظم چیده شده اند. و مردمی که برای پیدا کردن نشانی از شهید خود سرتاسر سوله را چندین و چند بار زیر و رو

می کنند.

پس از راهپیمایی سه روزه، در روز یازده جولای همه راهپیمایان خود را به قبرستان پوتوچاری می رسانند و بقایای تازه تفحص شده ی شهدایشان را طی مراسمی به خاک می سپارند.

در زمان جنگ بوسنی، ایران از اولین کشورهایی بود که از بوسنی حمایت کرد. به گونه ای که رهبر معظم انقلاب، آیت الله خامنه ای، آیت الله جنتی را برای رسیدگی به امور بوسنی انتخاب کرد و همچنین میزان بسیار زیادی از کمک های شبه نظامی، مادی و مالی را به کشور در حال جنگ بوسنی فرستاد، که از جمله آن می توان به شهادت سه جوان ایرانی در بوسنی اشاره کرد، و هم در این راه و در زمان بازسازی بوسنی نیز در کنار بوسنی قرار داشت. این در حالی بود که بسیاری از کشورهای اروپایی حاضر به ورود در موضوع بوسنی نبودند.

بوسنی بعد از جنگ دوباره استقلال خود را باز پس گرفت، خود را ساخت و به جایگاه خود در اروپا بازگشت و همچنان به حیات خود ادامه می دهد، اما رادووان کاراجیچ رئیس جمهور اسبق جمهوری صرب و راتکو ملادیچ فرمانده اسبق ارتش صربسکا که عاملین اصلی این جنایت بودند پس از این فاجعه دستگیر شدند و با تمام قدرتی که داشتند، به سزای اعمالشان رسیدند. این موضوع تا جایی پیش رفت که پارلمان صربستان به طور رسمی در سال ۲۰۱۰ به خاطر واقعه سربرنیتسا عذرخواهی کرد.

پس از پایان جنگ بوسنی و گذشت چند سال از آن ایران به طور محسوسی از بوسنی فاصله گرفت که جای خالی ایران را کشورها و گروهک های دیگری پر کردند و این موضوع تا ظهور پدیده داعش در این کشور نیز پیش رفت. اکتیویست های ایرانی به دنبال این هستند تا با این سفر چند روزه فاصله دو ملت و دو کشور را کم کنند و روابط دو کشور را همانند قبل گردانند.

## نشریه مستقل دانشجویی زیتون

دانشگاه صنعتی امیرکبیر

شماره ۲

خرداد ۱۳۹۸

صاحب امتیاز، مدیرمسئول و سردبیر  
طوبی بوعلی

هیئت تحریریه

طوبی بوعلی، پریاشکار ستری سلیمی  
سید محمد علی قربانی، امیر حسین شه دوست  
حسین براتی، مصطفی طیبی

صفحه آرایی

طوبی بوعلی

ارتباط با ما



@zeytoonaut\_admin



zeytoonaut@gmail.com

ما را در شبکه های اجتماعی دنبال کنید:



@zeytoonaut